



The Role of Religion in Social Resilience

Ahmad biglari¹



1. Assistant Professor, Department of Political Science, Faculty of Administrative Sciences and Economics, University of Arak, Arak, Iran. a-biglari@araku.ac.ir

Article Info

Abstract:

Article type:
Research Article

Print ISSN:
2716-9812

Online ISSN:
2717-3488

Received:2025/01/30

Detected:2025/12/04

Accepted:2025/12/08

Available:2026/01/07

Keywords:
social resilience,
religion, religiosity,
The Holy Quran

Challenges and crises are an inseparable part of human life at the individual and social levels. The important issue in these situations is maintaining the balance of individuals, societies, and political systems after facing challenges and recovering themselves. This issue has been the subject of many studies under the title of resilience, and its dimensions, factors, and examples have been studied. In numerous studies, religion has been mentioned as one of the factors affecting resilience. Therefore, the issue has been addressed here with a combined approach, that is, extra-religious and intra-religious on the one hand, and functionalist and teleological on the other. In this article, I try to present a theoretical explanation of this issue through a descriptive-analytical study of the relationship between religion and social resilience in general and from a sociological perspective on the one hand, and by looking at some Quranic teachings on the other. I am seeking to answer the question of how religion can affect social resilience? The findings indicate that religion, by playing a fundamental role in the individual and social belief system in cognitive, emotional, and behavioral dimensions, can be considered a very effective factor in social resilience by "giving identity and meaning to human life," "drawing a vision of human life," "giving hope to humans," and "integrating society."

Cite this article: Biglari, Ahmad (2026), The Role of Religion in Social Resilience, **Religious studies and efficiency**, 5(18), 67-86.

https://nrr.tabrizu.ac.ir/article_21086.html

Publisher: University of Tabriz



نقش دین در تاب‌آوری اجتماعی

احمد بیگلری^۱



۱. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اراک، اراک، ایران. a-biglari@araku.ac.ir

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

شاپا چاپی: ۹۸۱۲-۲۷۱۶

شاپا الکترونیکی: ۳۴۸۸-۲۷۱۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۱

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۹/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۱۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۱۷

کلید واژه‌ها:

تاب‌آوری اجتماعی، دین،

دین‌داری، قرآن کریم

چالش‌ها و بحران‌ها جزء جدایی‌ناپذیر حیات بشری در سطوح فردی و اجتماعی به شمار می‌روند. مسأله مهم در این مواقع، حفظ تعادل افراد، جوامع و نظام‌های سیاسی پس از مواجهه با چالش‌ها و بازیابی خود است. این مسأله تحت عنوان تاب‌آوری، موضوع پژوهش‌های بسیاری قرار گرفته و ابعاد، عوامل و مصادیق آن از جمله دین به عنوان عامل مؤثرتر مطالعه شده است. این نوشتار در تلاش است با یک بررسی توصیفی-تحلیلی نسبت دین و تاب‌آوری اجتماعی را از منظر جامعه‌شناختی از سویی، و با نگاهی به برخی از آموزه‌های قرآنی از سوی دیگر مورد بررسی قرار دهد. لذا با رویکردی تلفیقی، یعنی برون‌دینی و درون‌دینی از یک‌سو، و کارکردگرا و غایت‌گرا از سوی دیگر به مسأله پرداخته شده است. پرسش اصلی آن است که دین چگونه می‌تواند بر تاب‌آوری اجتماعی اثرگذار باشد؟ یافته‌ها بیانگر آن است که دین با ایفای نقش اساسی در نظام باورهای فردی و اجتماعی در ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری، از طریق «هویت‌بخشی و معنابخشی به حیات انسان»، «ترسیم چشم‌انداز زندگی انسان»، «امید دادن به انسان» و «انسجام‌بخشی به جامعه» می‌تواند به عنوان عاملی بسیار مؤثر در تاب‌آوری اجتماعی در نظر گرفته شود.

استناد: بیگلری، احمد (۱۴۰۴)، نقش دین در تاب‌آوری اجتماعی، دین پژوهی و کارآمدی، ۵ (۱۸)، ۶۷-۸۶.

https://nrr.tabrizu.ac.ir/article_21086.html

ناشر: دانشگاه تبریز.

مقدمه

انسان‌ها در مسیر زندگی فردی و اجتماعی خود همواره با مشکلات و گاه بحران‌هایی درگیر و روبه‌رو هستند. در این راستا، عبور از مشکلات به معنای به هم نخوردن تعادل زندگی انسان و بازیابی خود، مقوله‌ای حیاتی به شمار می‌رود که در ادبیات علمی آن را «تاب‌آوری^۱» می‌نامند. تاب‌آوری ابعاد گوناگونی دارد؛ چراکه زندگی انسان چندبعدی و چندسطحی است. به‌طور خاص، در دو دهه اخیر به دلیل بحران‌های زیادی همچون پاندمی ناشی از ویروس کرونا که در سطح جهانی رخ داده، سازه مفهومی تاب‌آوری، موضوع پژوهش‌های زیادی در رشته‌های مختلف علمی قرار گرفته است که هر یک از ابعاد، سطوح و لایه‌های مختلفی به آن پرداخته‌اند.

تاب‌آوری یک پیوستار است و به قول فلاسفه، «مقوله‌ای مشکک» به شمار می‌رود که عوامل متعددی بر میزان آن اثرگذارند. در مطالعات پرشماری، «دین» به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تاب‌آوری، شناسایی شده است. به‌طور کلی در طول تاریخ بشر، مواجهه دینی و مذهبی یکی از رایج‌ترین اشکال مواجهه در مواقع بحران بوده است. از این‌رو، اثرگذاری دین و مذهب بر ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری انسان‌ها سبب شده است تا عالمان علوم اجتماعی هم از زاویه نقش و کارکردهای دین بر نظام اجتماعی، آن را مورد مطالعه قرار دهند. مسأله تاب‌آوری اجتماعی به معنای کلان آن -شامل ابعاد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و ...- مورد توجه نظام‌های سیاسی هم هست؛ چراکه آنها نسبت به نوع مواجهه در مقابل بحران‌ها و چالش‌هایی که می‌تواند بر امنیت ملی‌شان تأثیرات منفی داشته باشد همواره دغدغه‌مند هستند. این چالش‌ها طیفی از بلایای طبیعی همچون سیل و زلزله‌های ویرانگر، و انسانی همچون تروریسم، جنگ و ... را در بر می‌گیرد. نظام‌های سیاسی تلاش می‌کنند از ظرفیت‌های درونی جامعه خود برای تاب‌آوری در مقابل بحران‌ها بهره‌مند شوند. یکی از این ظرفیت‌ها، دین و مذهب رایج در جامعه است که معمولاً رسمیت قانونی هم پیدا می‌کند.

در تاریخ ایران، نظام‌های سیاسی پیش و پس از اسلام هم در ارتباطی تنگاتنگ با دین، خود را تثبیت کرده و با ارجاع به گفتمان دینی به کنش سیاسی دست می‌بازیدند. با این حال، نوع این رابطه دستخوش نوسان بوده است. اگر نظام جمهوری اسلامی ایران را سرآمد رابطه ایجابی دین و سیاست در ایران معاصر در نظر بگیریم، دین (اسلام) علاوه بر اثرگذاری بر مشروعیت و کارآمدی نظام، می‌تواند با تأثیر بر تاب‌آوری اجتماعی به عنوان یک متغیر میانجی، بر امنیت ملی و قدرت ملی اثر گذارد. بنابراین، بررسی نسبت میان دو سازه دین و تاب‌آوری اجتماعی و استخراج شاخص‌های مرتبط با امنیت ملی به لحاظ نظری و تحلیلی، امری ضروری به شمار می‌رود. در این نوشتار تلاش می‌شود ابتدا با نگاهی تحلیلی و با رهیافتی جامعه‌شناختی رابطه دین و تاب‌آوری اجتماعی بررسی شود. لذا مقاله بیش از آنکه به معنای خاص کلمه، روشمند باشد، چارچوب‌مند خواهد بود. در این راستا، با اتخاذ رویکردی کارکردگرایانه نسبت به دین، کارکردهای ایجابی دین (اسلام) در راستای افزایش تاب‌آوری اجتماعی، شناسایی و مورد تحلیل قرار می‌گیرد؛ چراکه در یک جامعه دیندار، دین نقش مثبت و ایجابی نسبت به تاب‌آوری ایفا می‌کند.

الف) پیشینه پژوهش

بسیاری از مردم در مواجهه با ناملایمات، به نوعی «بازگشت به دین» را تجربه می‌کنند. مطالعات متعدد نشان داده است که بسیاری از افراد بر اساس باورهای مذهبی خود با رویدادهای آسیب‌زا یا استرس‌زا تعامل می‌کنند. در واقع، مواجهه مذهبی یکی از رایج‌ترین اشکال مواجهه در مواقع بحران، بدون توجه به وابستگی خاص مذهبی یا فرهنگی گزارش شده است (Peres et al. 2007). این مطالعات بیشتر با رهیافت‌های روان‌شناختی در مقیاس‌های متنوع و در سطوح مختلفی انجام گرفته‌اند. مثلاً غلامحسین جوانمرد (۲۰۱۲) رابطه باورهای دینی را با تاب‌آوری در میان دانشجویان بررسی کرده است. براساس پژوهش او، میان عملکرد مبتنی بر باورهای مذهبی و تاب‌آوری در دانشجویان، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. شوالم و همکاران (۲۰۲۱) در مقاله‌ای مروری با مرور نظام‌مند ۳۴ مقاله از میان ۲۴۶۸ مورد، رابطه میان معنویت/دین‌داری و تاب‌آوری را مورد بررسی قرار داده‌اند. آنها یک همبستگی نسبتاً مثبت میان متغیرها را با این تفصیل که معنویت، ضریب همبستگی بیشتری را در مقایسه با دین‌داری نشان می‌دهد شناسایی کرده‌اند. همچنین نتایج پژوهش صادقی و همکاران (۲۰۲۳) نشان می‌دهد که بین نگرش مذهبی، تاب‌آوری روان‌شناختی و امید، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین ثابت کرده‌اند که پایداری به دین تاب‌آوری و امید زنان افزایش داده، سلامت روان را بهبود بخشد.

پژوهش موزیری و همکاران (۱۳۹۹) عامل مؤثر «نظام باورها» با برخورداری از مؤلفه‌هایی نظیر خودباوری، باورهای مذهبی، و مثبت‌اندیشی، تحمل مشکلات را تسهیل کرده و در تاب‌آوری خانواده ایرانی، یکی از عوامل مؤثر به شمار می‌رود. همچنین والش (۲۰۱۶) در کتاب «تقویت تاب‌آوری خانواده» معتقد است «نظام باورها» با ارائه صورت‌بندی مفهومی و معنایی از بحران‌ها و دشواری‌ها از اهمیت زیادی در انطباق‌یابی و در نتیجه، تاب‌آوری برخوردار است. باورها طیفی از ارزش‌ها و نگرش‌ها هستند که در قالب آنها اصول اساسی خانواده و بستر پاسخ‌های هیجانی، تصمیم‌گیری‌ها، و اقدام‌ها شکل می‌گیرد. بنابراین، ادیان نقش مهمی در تاب‌آوری خانواده‌ها دارند.

کوستیوک (۲۰۲۳) با اتخاذ مفهوم تاب‌آوری ملی به عنوان واحد تحلیل، آن را یک راهبرد در مواجهه با تهدیداتی همچون تروریسم، اثرگذاری و نفوذ بر افکار عمومی و انتخابات و ... در نظر گرفته و به بررسی نقش دین در تاب‌آوری ملی به ویژه با نظر به کشور اوکراین می‌پردازد. او دین را یک مؤلفه کانونی اثرگذار در تاب‌آوری ملی قلمداد می‌نماید.

ایازی (۱۴۰۲) دو مقوله سرمایه معنوی و زیست معنوی را به عنوان عوامل مؤثر بر تاب‌آوری اجتماعی در جامعه دینی بر اساس آموزه‌های قرآنی معرفی می‌نماید. همچنین عباسی و محسنی مری (۱۳۹۸) با استفاده از رهیافتی معناشناسانه، مفهوم تاب‌آوری را در گفتمان قرآن کریم پیجویی کرده‌اند.

1 - Schwalm et. al.

2 - Walsh

3 - Kostiuk

همان‌طور که دسته‌ای از پژوهش‌های پیش‌گفته، با رویکردهای تجربی و مبتنی بر نمونه‌پژوهی تلاش کرده‌اند نوع رابطه میان دو متغیر دین و تاب‌آوری را نشان دهند. دسته دیگر با نظر به آموزه‌های یک دین خاص (اسلام) نوعی نگاه متن‌پژوهانه نسبت به موضوع دارند. در واقع، دسته نخست، به آنچه که به عنوان دین‌داری در جوامع رخ داده و نسبت آن با تاب‌آوری نظر دارند (بررسی تجربی)؛ دسته دوم به پتانسیل آموزه‌های ادیان برای تاب‌آوری معطوف هستند (بررسی آموزه‌ای)؛ اما در این نوشتار با نگاهی تحلیلی به موضوع پرداخته می‌شود. قاعدتاً بحث تحلیلی - نظری بر یافته‌های دو دسته پژوهش مذکور مبتنی خواهد بود و از آنها بهره‌گیری می‌کند. اما تلاش می‌شود با اتخاذ رویکردی تلفیقی و میانه، هم بر اساس یک چارچوب نظری برون‌دینی، و هم برخوردار از آیات قرآن کریم به عنوان منبع اتم و اکمل، نقش دین به ویژه اسلام در مسأله تاب‌آوری اجتماعی مورد بررسی قرار گیرد.

ب) مفاهیم و متغیرها

۱. تاب‌آوری

در یک تعریف ساده و اجمالی در حوزه روانشناسی، تاب‌آوری عبارت است از توانایی ترمیم پس از مواجهه با مشکلات و استرس (توروبریچ، ۱، ۱۳۹۵: ۳۶). به نظر می‌رسد درک افراد تاب‌آور، آغازگاه خوب و مفیدی برای تعریف تاب‌آوری در سطوح بالاتر است؛ زیرا کنش‌ها و تعاملات بین تک‌تک اعضای یک جامعه، زمینه‌ساز ظهور ظرفیت جمعی برای تاب‌آوری است. بنابراین، امتداد این رویکرد روان‌شناختی در سطح اجتماعی و به طور خاص، حکومت و سیاست (سطح ملی) در پیوند با دو متغیر کلیدی «امنیت ملی» و «قدرت ملی» قرار می‌گیرد. براین اساس، جامعه تاب‌آور می‌تواند بدون آسیب رساندن به ارزش‌های اصلی و نهادهای خود، با اجرای تغییرات و انطباق یافتن با ناملایمات و بحران‌های مختلف، آنها را تحمل نماید؛ لذا از یک‌سو، تحمل ناملایمات، و از سوی دیگر ساماندهی مجدد و سازگاری با شیوه‌های جدید، در راستای سالم ماندن ارزش‌ها و نهادهای جامعه دو مؤلفه اصلی تاب‌آوری در سطح ملی به شمار می‌روند (گل‌وردی، ۱۳۹۶: ۲۹۶).

تاب‌آوری دارای ابعاد گوناگونی است؛ بنابراین می‌توان از ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، زیست‌محیطی، امنیتی - دفاعی، علم و فناوری بدان نگریست و برای هر یک از این ابعاد، شاخص‌هایی را تعریف کرد. با توجه به موضوع این نوشتار، سه بُعد اجتماعی، فرهنگی و سیاسی اجمالاً توضیح داده می‌شود.

۱-۱. تاب‌آوری اجتماعی

تاب‌آوری اجتماعی را می‌توان به معنای توانایی گروه‌ها یا جوامع برای مقابله با فشارها و آشفتگی‌ها یا اختلالات بیرونی در نتیجه تغییرات اجتماعی، سیاسی و محیطی و سازگاری با آنها در نظر گرفت (Adger, 2000: 347).

کار و همکاری، ارزش‌ها، نگرش‌ها و هنجارهای حاضر، ارتباطات و اطلاعات، منابع مورد نیاز و غیره، از جمله شاخص‌های تاب‌آوری در بعد اجتماعی به شمار می‌رود (Maguire & Hagan, 2007: 19).

۱-۲. تاب‌آوری فرهنگی

تاب‌آوری از منظر فرهنگی، به نقش فرهنگ و زمینه فرهنگی اشاره دارد. نقطه تمرکز در بحث تاب‌آوری فرهنگی چگونگی نقش‌آفرینی مؤلفه‌های فرهنگی، در مقوله سازگاری است و بر اساس شبکه‌ای از اقدامات متقابل، تعهدات، درخواست‌ها و دارایی‌ها، مسأله سازگاری و تطبیق را برجسته می‌سازند (Plieninger, & Bieling, 2012: 32). تاب‌آوری فرهنگی در دستیابی به پایداری اجتماعی، امری مهم و حیاتی به شمار می‌رود و به تقویت انواع سنت‌ها به‌عنوان منبع ایستادگی در برابر آسیب‌ها می‌انجامد (McCubbin, 2005: 98). بنابراین، نظام‌های فرهنگی دربرگیرنده دانش سنتی، ارزش‌ها، آداب‌ورسوم و نگرش‌ها هستند که این توانایی‌ها موجب سازگار شدن با فشارهای بیرونی طی نسل‌های مختلف می‌شود (Patterson, 2002: 29). ارزش‌ها و نمادهای دینی و ملی همچون ایمان به خدا و پایبندی به احکام دینی، اعتقاد به منجی و مهدویت، وفاداری به سرزمین و... از مهم‌ترین مؤلفه‌های تاب‌آوری فرهنگی به شمار می‌روند.

۱-۳. تاب‌آوری سیاسی

مفهوم تاب‌آوری سیاسی ۱ در ادبیات تاب‌آوری چندان رایج نیست و اصطلاح ثبات سیاسی ۲ کاربرد بیشتری دارد. ثبات سیاسی یک معیار ترکیبی است و بر اساس شاخص‌های مختلفی مانند ثبات دولت، انتقال منظم قدرت دولتی، درگیری مسلحانه، تظاهرات خشونت‌آمیز، ناآرامی اجتماعی، تنش‌های بین‌المللی، تهدید تروریستی، درگیری‌های داخلی و خارجی، تنش‌های قومی و مواردی از این قبیل سنجیده می‌شود (World Bank, 2021). البته برخی از نویسندگان فارسی‌زبان اصطلاح تاب‌آوری سیاسی را به‌کار برده‌اند. باین‌حال، همان مضمون ثبات سیاسی را برای آن استعمال نموده‌اند. صارمی معتقد است:

«تاب‌آوری سیاسی به معنای تضمین ثبات و تداوم نظام سیاسی است. توانایی یک سیستم یا جامعه سیاسی برای مقاومت در برابر شوک‌ها و اختلالات مانند بلایای طبیعی، تغییر رژیم سیاسی یا سایر رویدادهای مهم در این تعریف جای دارد. تاب‌آوری سیاسی می‌تواند ظرفیت شهروندان، کنشگران سیاسی و نهادها برای انطباق، پاسخ، و عبور موفقیت‌آمیز از چالش‌ها به شیوه‌ای کارآمد و به موقع هم تعریف شود.» (صارمی، ۱۴۰۳)

۲. دین

می‌توان ادعا کرد که دین، قدرتمندترین و مؤثرترین مؤلفه دیرین در حیات بشر است. از زوایای گوناگون فلسفی، روان‌شناختی، مذهبی، جامعه‌شناختی و ... می‌توان آن را تعریف کرد. دین در لغت به معنای «آیین،

1 - political resilience

2- Political Stability

کیش، راه و روش (معین، ۱۳۸۱: ۷۱۳/۱) به کار می‌رود. راغب اصفهانی دین را این‌گونه تعریف کرده: «والدین یقال للطاعة والجزاء واستعیر للشریعة، والدین کالملة لکنه یقال اعتبارا بالطاعة والانقیاد للشریعة»؛ یعنی واژه «دین» برای اشاره به اطاعت و پاداش و به صورت استعاری به عنوان معادلی برای شریعت به کار می‌رود. دین مانند «ملة» است، اما با در نظر گرفتن اطاعت و تسلیم در برابر شریعت به کار می‌رود. (الراغب الاصفهانی، ۱۴۰۴: ۱۷۵)، در ادبیات قرآن همان‌گونه که از آیات «لَکُمْ دِینُکُمْ وَلِیَ دِینِ» (کافرون، ۶) و «وَمَنْ یَبْتَغِ غَیْرَ الْإِسْلَامِ دِینًا فَلَنْ یُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِی الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِینَ» (آل عمران، ۸۵) برمی‌آید، دین در معنای عام و فارغ از درستی محتوا و اجزای آن به کار رفته است.

از نظر اصطلاحی در دانش‌های متعدد اعم از کلام و دین‌پژوهی و نیز علوم اجتماعی هم تعاریف متعدد و متنوعی از دین ارائه شده است. جرجانی در کتاب *التعریفات* دین را این‌گونه تعریف می‌کند: «الدین وضع الهیّ یدعو أصحاب العقول الی قبول ما هو عند الرسول صلی الله علیه و سلم»؛ یعنی دین نهادی الهی است که صاحبان عقل سلیم را به پذیرش آنچه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ابلاغ کرده، فرا می‌خواند (الجرجانی، ۱۳۷۰: ۴۷). علامه طباطبایی در چند جا دین را تعریف کرده است. به بیان ایشان: «إن الدین هو الطریقه السلوکه الّتی یقصد بها الوصول إلی السعادة الحقیقیة» (الطباطبایی، ۱۳۵۱: ۷/ ۱۹۲)؛ یعنی دین، راهی است که برای رسیدن به سعادت حقیقی و شادی حقیقی پیموده می‌شود. ایشان در جای دیگر از تفسیر المیزان به نحوی دیگر همین تعریف را ارائه می‌دهد: «لیس الدین إلا سنه الحیاء و السبیل الّتی یجب علی الإنسان أن یسلکها حتی یسعد فی حیاتة فلا غایة للإنسان یتبعها إلا السعادة» (الطباطبایی، ۱۳۵۱: ۱۶/ ۱۷۸) یعنی دین چیزی جز راه و رسم زندگی و مسیری که انسان باید در زندگی سعادت‌مند بپیماید نیست؛ جز سعادت، هدفی برای انسان وجود ندارد که در پی آن باشد. از دیدگاه مطهری «دین و مذهب جزء مایحتاج زندگی بشر است و نداشتن آن موجب بدبختی فرد و ویرانی اجتماع می‌شود.» (مطهری، ۱۳۹۵: ۱۴-۱۵) در آثار ایشان دین به معنای «مکتب» به کار برده شده است. در این چارچوب، دین عبارت از یک طرح جامع و منسجم با هدف اساسی رسیدن به کمال و سعادت انسان است. به بیان مطهری:

«نیاز به یک تئوری کلی، یک طرح جامع و هماهنگ و منسجم که هدف اصلی آن، کمال انسان و تأمین سعادت همگانی است و در آن، خطوط اصلی و روش‌ها، بایدها و نبایدها، هدف‌ها و وسیله‌ها، نیازها و دردها و درمان‌ها، مسؤولیت‌ها و تکلیف‌ها مشخص شده باشد و منبع الهام تکلیف‌ها و مسؤولیت‌ها برای همه‌ی افراد بوده باشد.» (مطهری، ۱۳۷۷: ۵۴-۵۵)

مصباح یزدی هم با بررسی انواع تعاریف از دین، معتقد است باید دین را بر اساس دین حق تعریف کرد. از این‌رو، نمی‌توان با نگاهی جامعه‌شناختی یا عقلانی محض به قضاوت مؤلفه‌ها، محتوا، و قلمرو دین حق نایل آمد «بلکه باید با استفاده از کتاب و سنت، آن را تعریف و دامنه، رسالت و اجزاء آن را مشخص کرد.» در این

چارچوب دین از یک سو متضمن اعتقاد به خدا، قیامت و نبوت است، و از سوی دیگر، مشتمل بر ارزش‌ها و دستورالعمل‌هاست (مصباح یزدی، ۱۳۷۵: ۱۹). موسی صدر هم معتقد است ادیان ابتدا یکی بودند و هدف مشترکی داشتند. این هدف عبارت بود از جنگیدن با طواغیت و یاری مستضعفان؛ چراکه خدا به عنوان نقطه آغاز همه آنها یکی است و انسان، هدف آنهاست. خدا ما را به حال خود رها کرد؛ زیرا ما با فراموش کردن هدف، به راه‌های گوناگون رفتیم و بجای خدمت به انسان به دنبال خدمت به منافع خاص خود برآمدیم. ما «معبودهای دیگر غیر خدا را برگزیدیم و انسان را به نابودی کشانیدیم». (صدر، ۱۳۸۴: ۱۵) همانطور که مشهود است در تعریف اغلب متفکران مسلمان هم، نگاه غایت‌گرایانه به دین مندرج است و هم نگاه کارکردگرایانه. با این حال، با توجه به موضوع نوشتار حاضر که به بحث تاب‌آوری اجتماعی می‌پردازد، ارائه تعاریف جامعه‌شناسانه می‌تواند مفید باشد. در اینجا از منظری جامعه‌شناسانه و انسان‌شناسانه به دین می‌توان تعریف کلیفورد گیرتز را ذکر نمود. گیرتز به لحاظ علمی یک تعریف نسبتاً خنثی ارائه می‌دهد که نگاهی کارکردی به دین به معنای عام کلمه دارد:

«دین عبارت است از: نظامی از نمادها که برای ایجاد حالات و انگیزه‌های قدرتمند، فراگیر و طولانی‌مدت در انسان‌ها از طریق فرمول‌بندی مفاهیمی از نظم کلی وجود و پوشاندن آنها عمل می‌کند. مفاهیمی با چنان هاله‌ای از واقعیت که حالات و انگیزه‌ها به طور منحصر به فردی واقع‌گرایانه به نظر می‌رسند» (Geertz, 1973: 90).

باید توجه داشت تعاریف از دین بسیار متنوع و متکثرند، ولی مقصود از دین در نوشتار حاضر، اسلام است؛ اسلام به دلیل آنکه دین و شریعت اتم و اکمل است همه ویژگی‌های دین کامل اعم از نظام باورهای منسجم، نظام هنجارها و ارزش‌ها و درنهایت یک منظومه رفتاری منظم را دربردارد.

ج) چارچوب نظری: کارکردگرایی

تبیین کارکردگرایانه، نوعی از تبیین به شمار می‌رود که به بررسی شؤن مختلف جامعه بر حسب پیامدهای سودمند آن برای نظام بزرگ‌تر اجتماعی می‌پردازد. بهترین مثال‌های تبیین‌های کارکردگرایانه را می‌توان در نظام‌های زیست‌شناختی یافت. اما در علوم اجتماعی هم این رویکرد بسیار کاربردی است. کارکردگراها در علوم اجتماعی، «وجود نهاد یا عمل خاصی را بر اساس پیامدهای سودمندشان برای کل نظام اجتماعی یا یکی از نظامات تابعه آن، تبیین می‌کنند» (لیتل، ۱۳۸۱: ۱۵۱ و ۱۵۶). بنابراین، کارکرد عبارت از نقشی است که هر پدیده در نظام اجتماعی دارد.

با توجه به اینکه مفهوم «نظام اجتماعی» پژوهش را به سمت نوعی از تحلیل نظام‌مند سوق می‌دهد اهمیت دارد. نظام اجتماعی چیزی است که با یک خط ممیز، محدود و مشخص می‌شود. با این مرز می‌توان درون را از بیرون یا محیط تمایز بخشید. می‌توان هر جامعه یا واحد اجتماعی را یک نظام اجتماعی در نظر گرفت. در

این نگاه، مسأله اصلی عبارت از حفظ انسجام درونی نظام در مواجهه با محیط و حفظ بقای آن است. با همین نگاه بود که پارسونز به کارکردگرایی معتقد شد. در واقع، پرسش اصلی پارسونز و کارکردگرایی درباره شیوه‌هایی است که از طریق آنها بخش‌های یک نظام در خدمت نیازها و الزامات کل قرار می‌گیرند. پارسونز دو شرط بقای نظام (ارتباط مؤثر با محیط و حفظ یکپارچگی درونی) را در قالب چهار «ضرورت کارکردی»، یعنی انطباق، نیل به اهداف، حفظ الگو و مدیریت تنش، و یکپارچگی بر می‌شمارد. از دیدگاه او، نهادهای فرهنگی از جمله مذهب و آموزش و ارتباطات جمعی سازمان‌یافته، کارکرد یکپارچگی را ایفا می‌نمایند (کاف و همکاران، ۱۳۸۸: ۶۱-۶۳).

برداشت و تعریف گیرتز از نظام، شبیه تالکوت پارسونز است. برای او دین یک نظام اعتقادی است که در نهایت در راستای ادغام هنجارهای اجتماعی با اقدامات عملی افراد عمل می‌کند و زمینه‌های لازم را برای اجماع بر ارزش‌های اخلاقی و مذهبی فراهم می‌کند. از نظر گیرتز نیز دین در بازنمایی جهان و نظم حاکم بر آن به عنوان «وضعیت واقعی امور» نقش دارد؛ نظامی اجتماعی که در عین حال نظامی ذهنی و عاطفی است (Geertz, 1973: 90). این امر باعث می‌شود مردم جهانی را منظم، معقول و متحد ببینند که در غیر این صورت چنین به نظر نمی‌رسید. از این‌رو می‌توان با گیرتز همسو بود که اغلب «نمادهای مقدس برای ترکیب [همسو کردن] اخلاق مردم عمل می‌کنند» (Geertz, 1973: 89). با این حال، درست است که ادیان و مذاهب گوناگون که توانسته‌اند در جوامع پیرو داشته باشند از نظر کارکردی سودمندی‌هایی دارند. اما بسته به نوع آموزه‌ها، مناسک، اخلاقیات و ... می‌توان آنها را در یک پیوستار جایابی کرد. در این طیف، همه ادیان برابر نیستند. در حقیقت، در کنار کارکردها، غایات دین از اهمیت بالایی برخوردار است. به عنوان نمونه، برخی از ادیان غیر آسمانی که به تناسخ باور دارند و اساساً به معاد و زندگی در جهان آخرت قائل نیستند اخلاقیات متفاوتی دارند. در این راستا، برخی از کارکردهای اجتماعی آنان ممکن است در سطح کلان به کژکارکرد^۲ تبدیل گردد و نقض غرض اتفاق بیفتد. از این‌رو، در این نوشتار با مفروض انگاشتن این مطلب که دین درست، یعنی اسلام و بر اساس آموزه‌های قرآنی به طرح مسأله کارکردهای دین در راستای مقوله تاب‌آوری اجتماعی پرداخته می‌شود.

در حوزه دین‌شناسی و دین‌پژوهی هم کارکردهای دین هم در سطح فردی و هم در سطح اجتماعی مورد بحث است. دین در سطح فردی آثار مهم روانی دارد؛ مثلاً امیدبخشی یا کاهش ناامیدی، کاهش ترس از مرگ، افزایش صبر و تاب‌آوری و ...؛ همچنین دین در سطح اجتماعی با تعریف ارزش‌ها و هنجارها (قواعد حاکم بر نحوه دستیابی به ارزش‌ها) نوعی نظم اخلاقی و نهادی را ارائه نموده و با تحکیم عواطف مشترک پیروان، همبستگی و انسجام اجتماعی را گسترش می‌دهد.

1 - actual state of affairs

2 - disfunction

(د) نقش دین در تاب‌آوری

هرچند برخی از نظریه‌های اولیه در جامعه‌شناسی و توسعه که ریشه در پارادایم نوسازی و مدرنیزاسیون داشتند، در تقابل با دینداران، دین را به مثابه یکی از موانع توسعه در نظر می‌گرفتند، اما در سیر تطور این نظریه‌ها هم به نقش مثبت دین در حوزه انسجام اجتماعی و نیز مقوله توسعه اذعان گردیده است. در این راستا، کارکردگرایان بر این باورند که نیروی محافظه‌کارانه دین، از یک نوع کارکرد مثبت برای جامعه و افراد برخوردار است؛ چراکه دین به ایجاد نظم اجتماعی کمک می‌کند و اجماع ارزشی را حفظ می‌کند. بنابراین هم، از دید جامعه‌شناسانی همچون دورکیم و پارسونز، دین کارکردهای مهمی را برای جامعه انجام می‌دهد و هم، انسان‌شناسانی مانند گیرتز و مالینوفسکی معتقدند دین نقش و کارکرد مهمی برای فرد ایفا می‌کند؛ گویا نوعی اتفاق نظر درباره ثبات‌آفرینی اجتماعی دین وجود دارد که به حفظ وضعیت موجود و جلوگیری از تحولات و تغییرات سریع اجتماعی کمک می‌کند.

می‌توان ارتباط دین و جامعه را دست‌کم در سه سطح خرد، میانه و کلان مدنظر قرار داد. منظور از سطح خرد، افرادی هستند که از دین متأثر می‌شوند و در ارتباط با جامعه، آن تأثیرات را منتقل می‌سازند. سطح میانه معطوف به ارتباطاتی است که دین با برخی از نهادهای جامعه همچون خانواده، آموزش و ... به صورت موردی برقرار می‌کند و زمانی این رابطه به سطح کلان می‌رسد که از سطوح نهادی فراتر رفته، ساختارهای کلان اجتماعی را متأثر سازد. اما اینکه رابطه دین و جامعه در چه سطحی نمایان شود هم، به نوعیت دین بستگی دارد و هم، به نوعیت جامعه (شجاعی‌زند، ۱۳۹۴: ۶۳-۶۴). شجاعی‌زند انواع دین و جامعه و روابط آنها را به شکل جدول زیر تبیین نموده است:

جدول ۱. نوع دین / جامعه؛ سطح روابط

ادیان	دین فردی	دین نهادی	دین تسری یافته
جوامع	جامعه عرفی شده	جامعه تمایز یافته	جامعه غیر تمایز یافته
سطح روابط	خرد	میانه	کلان

(شجاعی‌زند، ۱۳۹۴: ۶۴)

با این تفصیل، اگر بخواهیم به صورت تجربی به نقش دین در تاب‌آوری اجتماعی بپردازیم، ضروری است نوع دین و جامعه مورد مطالعه را ابتدا مشخص کنیم؛ آنگاه با کمک متغیرهای اجتماعی به سنجش رابطه این دو مقوله بپردازیم. آثاری همچون کتاب مشهور وینستون دیویس با عنوان «مذهب ژاپنی و جامعه» که به بررسی نقش یک مذهب خاص در جامعه معین در مقوله توسعه می‌پردازد (See: Davis, 1992) و یا کتاب «مذهب در جامعه چین» اثر یانگ (See: Yang, 1961) این گونه‌اند. این قبیل پژوهش‌ها نیازمند اتخاذ روش‌های

کثرت‌گرایانه هستند؛ چراکه با وجود گستردگی ارتباطات و نزدیک شدن آمال جوامع (توسعه‌خواهی)، اساساً تنوع زیادی از ادیان و مذاهب بشری را شاهد هستیم که هریک نظام‌های ارزشی-اخلاقی خاصی را ارائه می‌نمایند. در واقع، تنوع سنت‌های دینی دست‌ساخته، از بودیسم و کنفوسیوسیم گرفته تا آیین‌های سرخپوستی همچون *ناو/هو*^۱ و نیز ادیان ابراهیمی اسلام، مسیحیت و یهودیت در جوامع مختلف، با آموزه‌های اخلاقی خود به‌نوعی در تاب‌آوری اجتماعی نقش ایفا می‌کنند.

اما در این نوشتار چنین هدفی را دنبال نمی‌کنیم؛ بلکه در پی آن هستیم تا با استفاده از تعریف کلی ارائه‌شده از دین به مثابه یک نظام فرهنگی در درون نظام کلان اجتماعی، به نقش‌ها و کارکردهای آن در راستای افزایش تاب‌آوری در سطوح خرد و میانه بپردازیم. در این چارچوب، دین انگیزه‌آفرین هست. انگیزه‌های نیرومند، فراگیر و درازمدت ایجاد می‌کند. دین با نقش مؤثر و کلیدی در نظام باورهای افراد و مخزن شناختی جامعه، به آنها انگیزه می‌بخشد. همچنین تبلور نهادهای دینی در جامعه به شکل‌گیری هویت مشترک انجامیده، ملاً سطح تاب‌آوری را بالا می‌برد. دین در کلیت خود (برخوردار از ابعاد اعتقادی، عاطفی و رفتاری) از طریق «هویت‌بخشی و معنابخشی به حیات انسان»، «ترسیم چشم‌انداز زندگی انسان»، «امید دادن به انسان» و «انسجام‌بخشی به جامعه» نقش‌آفرینی می‌کند.

۱- هویت‌بخشی و معنابخشی

بی‌تردید، دین یکی از مهم‌ترین و بلکه کلیدی‌ترین عناصر هویت‌ساز به شمار می‌رود. هویت، نشان‌دهنده وجه ارتباطی انسان با دیگران و بیانگر «خود» فردی و جمعی اوست؛ بنابراین، با توجه به پاسخ‌دهی به پرسش‌های بنیادین و اساسی حیات انسان، دین عنصر معنا‌ساز حیات بشری هم هست. لذا هم در سطح فردی و هم نهادهای اجتماعی، ایمان دینی این‌گونه فعلیت می‌یابد و باورها در موضوع تاب‌آوری انسان نقش حیاتی دارند. والش نظام‌های باور را قلب و روح تاب‌آوری قلمداد می‌کند. از نظر وی، ما از طریق معنابخشیدن به تجربه‌مان با بحران‌ها و ناملایمات طولانی‌مدت کنار می‌آییم: میان آنها با دنیای اجتماعی، باورهای فرهنگی و معنوی، گذشته چند نسلی مان^۲، و امیدها و رؤیاهایمان برای آینده، پیوند برقرار می‌کنیم. باورها همچون عدسی‌هایی هستند که از طریق آنها در حین حرکت در زندگی، به جهان می‌نگریم و بر آنچه می‌بینیم یا نمی‌بینیم و آنچه از ادراک خود می‌سازیم تأثیر می‌گذارند. باورها در قلب این موضوع قرار دارند که ما چه کسی هستیم و چگونه تجربه خود را درک و معنا می‌کنیم. باورهای اصلی ما، چه سکولار و چه مقدس، [کشتی وجود] ما را در وسعت ناشناخته‌ها آرام کرده و واقعیت ما را تعریف می‌کنند (Walsh, 2016: 39). البته باید این نکته را در نظر گرفت که انسان - به ویژه انسان مدرن - تنها به یک اجتماع فکری تعلق ندارد و باورهای او در جهان‌های اجتماعی مختلفی ساخته و پرداخته می‌شود. اگر بخواهیم با رویکردی شناختی به موضوع نگاه کنیم انسان‌ها

1 - Navajo

2- our multigenerational past

دارای «مخزن‌های شناختی» گسترده و متنوعی هستند و اغلب در بافت‌های گوناگون اجتماعی به شیوه‌های متفاوتی فکر می‌کنند (دارابی و همکاران، ۱۴۰۱: ۴).

نظام‌های باور نسبت به ارزش‌ها، اعتقادات، نگرش‌ها، سوگیری‌ها و مفروضات شمولیت عام دارند. آن‌ها با هم ادغام می‌شوند و مجموعه‌ای از مقدمات اساسی را تشکیل می‌دهند که به واکنش‌های عاطفی و تصمیمات آگاهانه و اقدامات می‌انجامند. بنابراین، نظام‌های باور می‌تواند تسهیل‌گر و یا محدودکننده باشد. باورهای تسهیل‌گر سبب افزایش گزینه‌های حل مشکل، و باورهای محدودکننده، تداوم مشکلات و محدودیت گزینه‌ها را سبب می‌شوند. باورها با توجه به این نکته که ما ارزشمند هستیم و می‌توانیم در زندگی و در مواجهه با مشکلات بر آن‌ها فائق آییم، در شرایط بحران بسیار کمک‌کننده و تسهیل‌گر است. اما این باور که نیازهایمان خودخواهانه یا بی‌اهمیت هستند، می‌تواند منجر به مراقبت بی‌وقفه از دیگران یا تسکین بی‌امان دیگران و احساس خستگی، گناه یا رنجش ما شود. برخی از باورها بسته به شرایط، مفیدتر و برخی دیگر در یک فرهنگ خاص از نظر اجتماعی مطلوب‌تر یا قابل‌قبول‌تر هستند. باورها و اعمال آن‌قدر درهم‌تنیده هستند که اعمال ما و پیامدهای آنها می‌توانند باورهای ما را تقویت یا آنها را تغییر دهند (Walsh, 2016: 40).

۲- چشم‌اندازدهی

انسان تنها موجودی است که چشم‌انداز دارد؛ یعنی با ترسیم یک آینده برای خود، زندگی‌اش را جهت می‌دهد. بیشتر ادیان و مذاهب به‌ویژه ادیان آسمانی، غایت‌گرا هستند و برای حیات انسان مبدأ و مقصدی ترسیم می‌کنند که بر اساس آن، فرد و یا جامعه مؤمن موظف است با پیروی از تعالیم دین، مسیر درست رسیدن به مقصد (مطلوب) را طی نماید. این مهم در مفهوم «سعادت» و «رستگاری» تبلور دارد. نحوه تفسیر سعادت اعم از اینکه صرفاً آخرت‌گرایانه باشد و یا علاوه بر آخرت، دنیا را هم لحاظ نماید؛ به هر صورت، ظرفیت و نیز تاب‌آوری فرد و جامعه را افزایش می‌دهد. یکی از موضوعات مهم در این عرصه «مسأله شرور» است که پاسخ‌های الهیاتی از طریق نظام‌های باور و نحوه توجیه شرور در این جهان می‌تواند تاب‌آوری مؤمن را بالا ببرند. در واقع، در اکثر مواقع، شرور یا بلایا به مثابه «آزمون‌های الهی» در مسیر رستگاری بشر به شمار می‌روند. موفقیت در این آزمون‌ها در گرو «صبر و شکیبایی» و «استقامت» است. چشم‌انداز انسان متدین صبور، بهشت و رستگاری است. در آیات قرآن کریم این مهم به کرات مورد اشاره قرار گرفته است (رعد/۲۲-۲۴؛ طور/۴۸؛ آل‌عمران/ ۱۲۵ و ۱۸۶؛ اعراف/ ۱۲۸؛ زمر/ ۱۰؛ یوسف/ ۹۰؛ لقمان/ ۱۷؛ بقره/ ۱۵۳؛ نحل/ ۹۶؛ هود/ ۱۰-۱۱).

به دلالت صریح قرآن، عقبی‌الدار (منزلگاه نیکوی نهایی) برای کسانی است که برای کسب رضای پروردگار صبر پیشه می‌کنند.... بدی را با خوبی پاسخ می‌دهند ۱ (رعد/۲۲). هم صبر کردن و هم مواجهه بزرگوارانه با بدی دیگران، حاکی از تاب‌آوری فرد مؤمن بوده و برآیند وجود افراد تاب‌آور، جامعه تاب‌آور خواهد بود.

۱ - وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوْا الزَّكَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَدْرَعُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةِ أُولَئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ.

در آیات قرآن و روایات به «بیهوده نبودن زندگی» انسان تصریح شده است ۱ (مؤمنون/۱۱۵). اساساً در آموزه‌های اسلامی «دنیا مزرعه آخرت است». استعاره مزرعه یعنی تلاش و تحمل سختی برای رسیدن به رستگاری و «بهشت»؛ البته بهشت خود یک چشم‌انداز حداقلی برای مؤمن است. از منظر قرآن کریم علاوه بر واژه پرتکرار بهشت (جنت) که امری اخروی است، می‌توان چشم‌انداز زندگی بشر را ذیل واژه کلیدی «حیات طیبه» صورت‌بندی کرد. قرآن علاوه بر دستوراتی که در مواقع مختلف و به تناسب برای مؤمنان مطرح می‌کند، با طرح این گزاره عام و مطلق که «آنچه نزد شماست فناپذیر است و آنچه نزد خداست باقی می‌ماند» مقوله صبر را در کنار عمل صالح و ایمان در پیوند معنایی با حیات طیبه به شمار می‌آورد ۲ (نحل/۹۶-۹۷).

تقریباً همه ادیان به نوعی به مؤمنان و پیروان خود آینده‌ای روشن را نوید می‌دهند که در پرتو منش و کنش مؤمنانه آنان محقق خواهد شد. این آینده روشن، همان چشم‌انداز کلی و امیدبخشی است که یکی از کارکردهای دین به ویژه در حوزه تحمل رنج و مواجهه با بلایا به شمار می‌رود و با این امیدآفرینی، تاب‌آوری فرد و جامعه افزایش می‌یابد. یکی از آموزه‌های اصلی بسیاری از ادیان و مذاهب در این راستا، موعودباوری است. در قرآن کریم و احادیث نیز این امر مورد تأکید قرار گرفته است. قرآن می‌فرماید: و ما اراده داریم بر کسانی که در آن سرزمین ضعیف و ذلیل نگاه‌داشته‌شده‌اند منت گذارده و آنها را پیشوایان (خلق) قرار دهیم و وارث (ملک و جاه فرعونیان) گردانیم ۳ (قصص/۵).

بر اساس کلام اسلامی به‌خصوص شیعی، خداوند به عنوان عالم و قادر مطلق، هم آفریننده و هم پروردگار هستی است. او جهان را بر اساس یک نظم آفریده و در نهایت، جهان، غایت و فرجامی خواهد داشت. بنابراین، حرکت فرد و جامعه مؤمن بر اساس این چشم‌انداز و در راستای کسب رضایت الهی، مستلزم تحمل رنج‌ها و شکیبایی و صبر است تا بشر از آزمون الهی سربلند برون آید. در قرآن کریم به صراحت این انگاره که میان ایمان و ابتلا به مشکلات نسبت وجود دارد بیان شده است ۴ (عنکبوت/۲-۳). در این بیان، شرط صداقت در ایمان، موفقیت در آزمون الهی، یعنی شکیبایی و تاب‌آوری است.

۱ - أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنْتُمْ عَلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ

۲ - مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ وَلَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً

۳ - وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ

۴ - أَحْسَبَ النَّاسُ أَنْ يَتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ

۳- امیدبخشی

پژوهش‌های حوزه روانشناسی نشان داده‌اند که امید، همبستگی معناداری با توانایی‌های ذاتی جسمی و فکری ندارد و می‌توان امید را آموخت. بر اساس برخی از تحقیقات، امید با دینداری رابطه دارد. مثلاً گوش دادن به برنامه‌های مذهبی رادیو و تماشای برنامه‌های مذهبی تلویزیون در کاهش علائم افسردگی، ناامیدی و اضطراب مؤثر است. همچنین با افزایش ایمان فرد، امیدواری‌اش هم بیشتر می‌شود (مرحمتی و خرمایی، ۱۳۹۷: ۴۳۷). دینداری با میانجی متغیر صبر بر امیدواری اثرگذار است. در واقع، دین‌داری سبب افزایش صبر می‌گردد. با وجود اینکه صبر یک ظرفیت زیستی-روان‌شناختی است اما از منظر دین نوعی فضیلت اخلاقی به شمار می‌رود؛ یعنی سازه‌ای اخلاقی است که دین به آن جهت می‌بخشد (همان ۴۴۱).

در الهیات مسیحی، امید، یکی از سه مؤلفه اصلی شخصیت مسیحی به شمار می‌رود: «سه چیز همیشه باقی خواهد ماند: ایمان، امید و محبت» (قورنتیان ۱۳: ۱۳؛ به نقل از محققان و پرچم، ۱۳۹۱). اما تنها امید مبتنی بر اعتماد به خداوند می‌تواند به زندگی انسان پویایی بخشد و او را به سوی آینده‌ای سعادت‌مند سوق دهد. عوامل ناراحتی در جان شخص بی‌بهره از امید، نفوذ کرده و او را در برابر ناملایمات به شدت آسیب‌پذیر می‌کنند. لذا به دلیل نداشتن پشتوانه محکم ایمان، خود را اسیر و مقهور بلایا یافته و به زودی در باتلاق ناامیدی و افسردگی فرو خواهد رفت (محققان و پرچم، ۱۳۹۱: ۱۰). همچنین در قرن بیستم و پس از مشکلات ناشی از جنگ‌های جهانی، در الهیات اجتماعی مسیحی گرایشی با عنوان «الهیات امید» پدیده آمد. یورگن مولتمان بنیانگذار این الهیات است که کتابی با همین عنوان دارد (See: Moltmann, 1993).

در آموزه‌های اسلام اعم از قرآن کریم و احادیث نبوی و ائمه (ع) هم مقوله امید از جایگاه والایی برخوردار است به گونه‌ای که ناامیدی یکی از بزرگ‌ترین گناهان به شمار می‌رود. امام صادق (ع) «ناامیدی از رحمت خدا را سردتر از زمهریر» دانسته‌اند^۱ (محمدی ری‌شهری، ۱۴۳۳ ه‍.ق: ج ۹، ص ۵۷۴). قرآن کریم از قول یعقوب نبی خطاب به فرزندان، ناامیدی از رحمت خداوند را از ویژگی‌های کافران بر می‌شمارد. مفهوم این گزاره آن است که رابطه مثبتی میان امید و ایمان در قرآن ترسیم می‌گردد^۲ (یوسف/۸۷).

براساس دلالت صریح آیه ۵۳ سوره زمر^۳، خداوند خطاب به پیامبرش از او می‌خواهد که این پیام آشکار را به بندگان گناهکارش برساند که از رحمت او ناامید نشوند؛ چراکه او همه گناهان را مورد بخشش و مغفرت خود قرار می‌دهد. البته این آیه از ظرافت‌های تفسیری زیادی برخوردار است که موضوع بحث این مقاله نیست.

۱ - الْيَأْسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ أَشَدُّ بُرْدًا مِنَ الزَّمْهِرِيرِ.

۲ - يَا بَنِي آدَمَ أَهْبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يُوسُفَ وَأَخِيهِ وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَأْسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ.

۳ - قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ.

همچنین بر اساس منطوق آیه ۲۱۸ سوره بقره^۱، ایمان آوردن، هجرت از وطن - که خودی یکی از راه‌کارهای تاب‌آوری در قرآن است - و جهاد در راه خدا از نشانه‌های کسانی است که به رحمت الهی امیدوارند. لذا مفهوم این آیه، همبستگی ایجابی میان امیدواری و ایمان را با متغیر میانجی‌ای نشان می‌دهد که مؤلفه‌های تاب‌آوری را در بردارد؛ یعنی هجرت و استقامت که لازمه جهاد هستند. در همین راستا، نقطه مقابل تاب‌آوری، یعنی ناتوانی در مواجهه با مشکلات، امری مذموم به‌شمار می‌رود. قرآن کریم به صراحت از خودکشی نهی می‌کند و به دلالت تضمینی، آن را معلول ناامیدی از رحمت الهی قلمداد می‌کند که گناهی بزرگ بوده و نتیجه‌اش دوزخ^۲ (نساء/۲۹ و ۳۰)؛ در واقع، هراندازه هم شرایط ناملایم و دشوار باشد، انسان مؤمن باید تا آخرین لحظه، منتظر گشایش از سوی خداوند باشد. لذا خودکشی در اسلام حرام است؛ چراکه اقدام به خودکشی بیانگر اوج ناامیدی انسان است. خودکشی نوعی گمراهی از راه خداست. بنابراین، فردی که نتواند مشکلات را تاب آورده و از رحمت خدا ناامید باشد در زمره گمراهان به‌شمار می‌رود^۳ (حجر/۵۶).

۴- انسجام‌بخشی

انسجام و همبستگی اجتماعی از آن دسته کارکردهای ادیان است که حتی برخی از خداناپوران هم بدان اذعان می‌کنند. البته ناگفته نماند که بعضی از دین‌ستیزان با نظر به عدم رواداری پیروان برخی از ادیان و یا آموزه‌های ناروادارانه آنها کارکرد دین را در تغایر با همبستگی اجتماعی می‌دانند. باین‌حال و صرف‌نظر از دیدگاه یک دین خاص، دست‌کم همبستگی و انسجام میان پیروان یک دین را نمی‌توان نادیده گرفت؛ هرچند پیروان آن دین نسبت به پیروان سایر ادیان و مذاهب ناروادار باشند.

در اروپای سده‌های میانه این امر کاملاً مشهود است؛ چراکه مسیحیت کاتولیک در قالب کلیسای روم، کلیت اروپا را به لحاظ فرهنگی و نظام معنایی در برابر «دیگری» مسلمان خود، انسجام می‌بخشید. در واقع، دین در اینجا کارکردی شبیه به ایدئولوژی پیدا می‌کند. در دوران مدرن هم از یک منظر کلی و با غضّ نظر از تنوع جوامع و ادیان، انسان مدرن به انزوا و تنهایی جدیدی وارد شده است. در واقع، تحولات کلان اجتماعی-اقتصادی جوامع مدرن در این موضوع بسیار مؤثر بوده و سبب افزایش تنش‌های روان‌شناختی و معضلات فکری در این جوامع شده است. به همین خاطر و در پاسخ به نیازهای بشر معاصر، جنبش‌های دینی جدیدی شکل گرفته‌اند.

۱- إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ.

۲- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ عُدُوًّا وَظُلْمًا فَسَوْفَ نُصْلِيهِ نَارًا وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا.

۳- قَالَ وَمَنْ يَقْنُطْ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ.

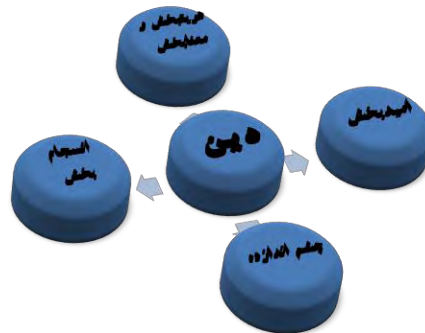
این جنبش‌ها شکل روزآمد ادیان هستند که در بستر اجتماعی جدید تعیین می‌یابند تا بشر معاصر تنها را در پیوند با هم‌کیشان خود همبسته ساخته و در نتیجه، از رنج و ملالش کاسته و تاب‌آوری او را افزایش دهند. در آموزه‌های اسلامی به ویژه قرآن کریم اصل توحید از قابلیت انسجام‌بخشی به جامعه برخوردار است. اگر باور به توحید به عنوان کانون نظام اعتقادی قرآن در جامعه به باوری مشترک و فراگیر تبدیل گردد و اعضای جامعه حول آن گرد آیند، انسجام اجتماعی شکل می‌گیرد. قرآن خطاب به پیامبر(ص) از او می‌خواهد بر مبنای «کلمه سواء» یعنی توحید و شرک نورزیدن به خدا که اصل اسلام به معنای عام کلمه بوده و باور مشترک همه ادیان ابراهیمی به شمار می‌رود، با «اهل کتاب» یعنی پیروان ادیان آسمانی گرد هم آیند و با هم همزیستی داشته باشند^۱ (آل عمران/۶۴). همچنین قرآن به مسلمانان یادآوری می‌کند به یادآورند که خداوند با پیوند زدن و الفت برقرار کردن در دل‌های آنان بعد از داخل شدن به دین اسلام، به دشمنی‌های دوره جاهلی پایان داد و آنها را همچون برادر ایمانی در یک امت همبسته کرد. لذا از آنها می‌خواهد با اعتصام و چنگ زدن به ریسمان الهی به صورت جمعی و تفرقه نداشتن، این انسجام را حفظ نمایند^۲ (آل عمران/۱۰۳).

به‌طور کلی، تاب‌آوری اجتماعی در جامعه به هم پیوسته و منسجم بالاتر خواهد بود؛ چراکه دین محرکی قوی برای به‌هم‌پیوستگی اجتماعی به شمار می‌رود. از منظر کارکردی، دین، نهادی است در خدمت یکپارچگی ساختار اجتماعی. این نهاد به وسیله سازوکارهای جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی، ارزش‌های مشترک را درونی می‌کند و با استفاده از مقدرات ماوراء طبیعی در تقدس بخشیدن و حمایت از پیام‌های اخلاقی جامعه، در تقویت به‌هم‌پیوستگی اجتماعی نقش مهمی را ایفا می‌کند. همچنین مشارکت در فعالیت‌های دینی و مذهبی، تعهدات اخلاقی درونی‌شده را تقویت می‌کند و به افزایش همنوایی اجتماعی و در نتیجه، به تقویت همبستگی اجتماعی در جوامع می‌انجامد (طالبان، ۱۴۰۱: ۲۳۳).

۱ - قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا آوْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ.

۲ - وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ

نمودار نقش دین در تاب‌آوری اجتماعی



منبع: نگارنده

نتیجه‌گیری

در این نوشتار تلاش شد با یک بررسی توصیفی-تحلیلی در مسئله نسبت دین و تاب‌آوری اجتماعی از منظری جامعه‌شناختی از یک‌سو، و با نگاهی به برخی از آموزه‌های قرآنی از سوی دیگر، شرحی نظری از این مسأله ارائه گردد. در راستای پاسخ به این سؤال که «دین چگونه می‌تواند بر تاب‌آوری اجتماعی اثرگذار باشد؟» از منظری کارکردگرایانه به این موضوع رهنمون شدیم که دین با ایفای نقش اساسی در نظام باورهای فردی و اجتماعی، از طریق «هویت‌بخشی و معنابخشی به حیات انسان»، «ترسیم چشم‌انداز زندگی انسان»، «امید دادن به انسان» و «انسجام‌بخشی به جامعه» می‌تواند به عنوان عاملی بسیار مؤثر در تاب‌آوری اجتماعی در نظر گرفته شود. همه این موارد به برخی از آیات قرآن کریم مستند گردید.

در پژوهش‌های زیادی در رشته‌های گوناگون علوم اجتماعی به‌ویژه روانشناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی دین و ... نقش مثبت مذهب و دین در تاب‌آوری اثبات شده است. در این دست مطالعات، بدون توجه به ماهیت یک دین و با نگاهی صرفاً کارکردگرایانه و از منظری برون‌دینی، دین به عنوان متغیری مستقل در نسبت با تاب‌آوری موضوع پژوهش بوده است. از سوی دیگر، در حوزه الهیات و ادیان هم مطالعاتی به صورت موردی (یک دین خاص) یا تطبیقی و با نگاهی درون‌دینی به بررسی تعالیم دینی در مواجهه با معضلات و بحران‌ها و نقش مثبت آنها انجام شده است. در این نوشتار تلاش شد با اتخاذ رویکردی تلفیقی و میانه، هم بر اساس یک چارچوب نظری برون‌دینی، و هم برخوردار از آیات قرآن کریم به عنوان دین اتم و اکمل، نقش دین به ویژه اسلام در مسأله تاب‌آوری اجتماعی مورد بررسی قرار گیرد.

آنچه از نگاه نوشتار حاضر در این مسأله اهمیت بیشتری دارد، دو کارکرد «هویت‌بخشی و معنا بخشی» و «انسجام و همبستگی اجتماعی» جامعه ایرانی به عنوان عناصر کلیدی امنیت اجتماعی و به تبع، امنیت ملی است. همان‌طور که امام خمینی (ره) بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی بارها با عبارت پرسامد «وحدت کلمه» از آن یاد می‌کرد (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۷، ۶۴). با توجه به ساختار نظام سیاسی جمهوری اسلامی، غنی‌بودن و نه لزوماً فربه‌بودن وجه دینی هویت ملی، امری حیاتی به شمار می‌رود. این موضوع خود را در حوزه سیاست‌گذاری در عرصه‌های مختلف نشان می‌دهد. به تعبیر مولر، برداشت‌ها و تصاویر شناختی از واقعیت به سیاست معنا می‌دهند. این امر «مرجعیت» سیاست را نمایان می‌سازند (مولر، ۱۴۰۰: ۵۷). بنابراین، حفظ و تداوم عناصر هویت‌بخش دینی در عرصه ملی در راستای تاب‌آوری سیاسی و نیز تاب‌آوری ملی از اهمیت فراوانی برخوردار است. معنای بسیاری از اقدامات و کنش‌های اجتماعی در مواقع بحرانی می‌تواند با ارجاع به دین تعیین یابد. به عنوان یک مثال اخیر در این زمینه می‌توان از اقدامات اجتماعی مردم‌پایه در دوره پاندمی کرونا یاد کرد.

فهرست منابع

- قرآن کریم.
- امام خمینی، سید روح الله (۱۳۸۹). *صحیفه امام*. ج ۲۲، ج ۷، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- ایازی، سیدعلی‌نقی (۱۴۰۲). دین‌داری و تاب‌آوری اجتماعی در آموزه‌های قرآنی. *مشکوه*، سال ۴۲، ش ۱۵۸، صص ۶۴-۸۷.
- توروبریچ، سارا (۱۳۹۵). *تاب‌آوری با باورها آغاز می‌شود*. ترجمه: لیلا وطن‌دوست، حسن صادقی و مریم شهری، تهران: نشر ورجاوند؛ فیدیو.
- پویافر، محمدرضا (۱۴۰۰). تحولات دین‌داری و بعد اجتماعی امنیت ملی در ایران. *فصلنامه مطالعات راهبردی*. سال ۲۴، ش ۳، مسلسل ۹۳، صص ۲۴-۵۷.
- جرجانی، علی بن محمد، و ابن عربی، محمد بن علی (۱۳۷۰). *التعريفات*. تهران - ایران: ناصر خسرو.
- دارابی، مسعود. حیدرآبادی، ابوالقاسم. اله‌پور، هادی (۱۴۰۱). بررسی و تبیین مؤلفه‌های شناختی و تأثیر آن بر تاب‌آوری اجتماعی شهروندان در شرایط بحران. *مدیریت بحران*. ش ۲۲، صص ۱-۲۰.
- دوستدار، آرامش (۱۳۷۰). *درخشش‌های تیره: روشنفکری ایرانی یا هنرنیاندیشیدن*. کُن: اندیشه آزاد.
- الراغب الأصفهانی، حسین بن محمد بن مفضل (۱۴۰۴ه.ق). *المفردات فی غریب القرآن*. طهران: دفتر نشر الکتاب.
- شجاعی‌زند، علیرضا (۱۳۹۴). *دین در زمانه و زمینه مدرن*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- صارمی، علیرضا (۱۴۰۳). *تاب‌آوری سیاسی چیست و ابعاد اصلی آن کدامست؟* (۲۳ خرداد ۱۴۰۳) قابل‌دسترسی در: <https://civilica.com/note/3987>
- صدر، موسی (۱۳۸۴). *ادیان در خدمت انسان*. تهران: مؤسسه فرهنگی-تحقیقاتی امام موسی صدر.
- طالبان، محمدرضا (۱۴۰۱). *مطالعه‌ی تطبیقی ارتباط دین و به‌هم‌پیوستگی اجتماعی در ایران*. جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی. دوره ۹، ش ۱۹، صص ۲۱۳-۲۳۸.
- طالبان، محمدرضا. رفیعی بهابادی، مهدی (۱۳۸۹). تحولات دین‌داری بر اساس تفاوت‌های نسلی در ایران (۱۳۵۳-۱۳۸۸). *مسایل اجتماعی ایران*. سال اول، ش ۲، صص ۸۵-۱۱۴.

- الطباطبائی، السید محمد حسین (۱۳۵۱). المیزان فی تفسیر القرآن - ۲۰ ج، ج ۲ و ۱۶، منشورات اسماعیلیان.
- عباسی، سلیمان. محسنی مری، قاسم (۱۳۹۸). تاب‌آوری در رهیافت گفتمانی قرآن کریم. پژوهش‌های روان‌شناسی اسلامی. سال ۲، ش ۳، صص ۷۵-۵۵.
- قنبری برزبان، علی. همتی، رضا (۱۳۹۴). هویت دینی در جامعه ایرانی: مرور نظام‌مند مطالعات انجام‌شده (۱۳۸۰-۱۳۹۲). جامعه‌شناسی کاربردی. سال ۲۶، ش ۵۹، شماره سوم، صص ۱۱۷-۱۳۸.
- کاف، ای. سی. شاروک، دلیو. دلیو. فرانسیس، دی. دلیو. (۱۳۸۸). چشم‌اندازهایی در جامعه‌شناسی. ترجمه بهزاد احمدی و امید قادرزاده. تهران: کویر.
- گل‌وردی، مهدی (۱۳۹۶). تاب‌آوری ملی: مروری بر ادبیات تحقیق. فصلنامه مطالعات راهبردی سیاستگذاری، دوره ۷، شماره ۲۵، صص ۲۹۳-۳۰۹.
- لیتل، دانیل (۱۳۸۱). تبیین در علوم اجتماعی. ترجمه عبدالکریم سروش. تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.
- محققیان، زهرا. پرچم، اعظم (۱۳۹۱). ماهیت امید؛ مقایسه‌ای تطبیقی بین اسلام و مسیحیت. معرفت/دیان. سال چهارم، ش اول، صص ۷-۲۶.
- محمدی ری‌شهری، محمد (۱۴۳۳ ه.ق). میزان/الحکمة. ۱۰ ج، ج ۱۰، قم: دارالحدیث.
- مرحمتی، زهرا. خرمائی، فرهاد (۱۳۹۷). رابطه دین‌داری و امید: نقش واسطه‌ای صبر. روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی. سال چهاردهم. ش ۵۶، صص ۴۳۵-۴۴۴.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۵). سلسله درس‌هایی درباره معرفت دینی (۱). مجله علوم انسانی (دانشگاه امام حسین) ش ۲۰، صص ۵-۲۰.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۵). پنج گفتار. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۷). انسان و ایمان. تهران: صدرا.
- معین، محمد (۱۳۸۱). فرهنگ معین. ۲ ج، ج ۱، تهران: آدنا.
- موزیری، عباس. شفیع‌آبادی، عبدالله. اسمعیلی، معصومه. یونسی، جلیل. (۱۳۹۹). مدل‌یابی عوامل مؤثر بر تاب‌آوری خانواده ایرانی. علوم روانشناختی. دوره ۱۹، شماره ۹۵، صص ۱۴۰۱-۱۴۰۹.

English References

- Adger, Neil, (2000), "Social and ecological resilience: are they related?", *Progress in human geography*, Vol. 24, No. 3, p. 347-364.
- Davis, Winston (1992). *Japanese Religion and Society: Paradigms of Structure and Change*. State University of New York Press.
- Geertz, Clifford (1973). *The interpretation of cultures*. New York: Basic Books.
- Javanmard, Gholam Hossein. "Religious Beliefs and Resilience in Academic Students." *3rd World Conference on Psychology, Counselling and Guidance (WCPCG-2012) Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 84 (2013) 744 – 748. doi: 10.1016/j.sbspro.2013.06.638
- Kostiuk, O. V. (2023). THE RELEVANCE OF STUDYING RELIGION AS A FACTOR OF NATIONAL RESILIENCE. *Zhytomyr Ivan Franko State University Journal. Philosophical Sciences*. Vol. 2(94), 2023. DOI 10.35433/PhilosophicalSciences.2(94).2023.24-33
- Maguire, Brigit, & Patrick Hagan, (2007), "Disasters and communities: understanding social resilience", *Australian Journal of Emergency Management*, Vol. 22, No. 2: 16-20.

- McCubbin, Laurie, (2005), *Culture and ethnic identity in family resilience: Dynamic processes in trauma and transformation of Indigenous people*, In M. Ungar (Ed.), *Handbook for working with children and youth* (pp. 27-44). Ousand Oaks, London, New Delhi: Sage Publications.
- Moltmann, Jurgen (1993). *Theology of hope: on the ground and the implications of a Christian eschatology*. translated by James W. Leitch. NEW YORK AND EVANSTON: HARPER & ROW, PUBLISHERS.
- Patterson, Joan, (2002), Understanding family resilience, *Journal of Clinical Psychology*, Vol. 58, No. 3, 233-246.
- Peres JF, Moreira-Almeida A, Nasello AG, Koenig HG. Spirituality and resilience in trauma victims. *Journal of Religion and Health*. 2007;46(3):343–350. doi: 10.1007/s10943-006-9103-0.
- Plieninger, Tobias, & Bieling, Claudia, (2012), *Resilience and the cultural landscape: understanding and managing change in human-shaped environments*, Cambridge University Press.
- Sadeghi, R. Abolghaseminejad, P. Vahidreza Borhaninejad, V. Moqaddasi Amir, M. Zeidabadi, B. (2023). "The relation between religious attitude, psychological resilience and hope in female heads of households in Sirjan, –Iran" –<https://doi.org/10.21203/rs.3.rs-3054883/v1> A preprint article: <https://www.researchsquare.com/article/rs-3054883/v1>
- Schwalm, F. D. Zandavalli, R. B. Filho, E. D. de Castro and Lucchetti, G. (2021). "Is there a relationship between spirituality/religiosity and resilience? A systematic review and metaanalysis of observational studies". *Journal of Health Psychology* 1–15 © The Author(s) 2021 Article reuse guidelines: sagepub.com/journals-permissions DOI:10.1177/1359105320984537 journals.sagepub.com/home/hpq
- Walsh, F. (2016). *Strengthening family resilience*. New York: Guilford Press
- World Bank, (2021), "Worldwide Governance Indicators (WGI)", the report and data platform are available at: <https://info.worldbank.org/governance/wgi/>.
- Yang. C. K. (1961). *Religion in Chinese society*. California: University of California Press Berkeley and Los Angeles.